

چاپ دهم

میشل فوکو

این یک چپق نیست

با نقاشی‌هایی از رنه مگریت

مانی حقیقی



Ceci n'est pas une pipe

Michel Foucault

این یک چپق نیست

میشل فوکو

با نقاشی‌هایی از رنه مگریت

ترجمه‌ی مانی حقیقی

حروفچینی، نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی، بخش تولید، نشر مرکز

طرح جلد: مهدی سجایی

چاپ اول ۱۳۷۵، شماره‌ی نشر ۲۹۹

چاپ دهم ۱۳۹۳، ۱۰۰ نسخه، چاپ دلاهو

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۵-۱۸۳-۹

نشر مرکز: تهران، خیابان دکتر قاضی، روبه‌روی هتل لاله، خیابان باباطاهر، شماره‌ی ۸

تلفن: ۳-۲۶۲-۸۸۹۷۰ فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹

Email: info@nashr-e-markaz.com

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این ترجمه برای نشر مرکز محفوظ است.

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله: فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است. این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

سرشناسه: فوکو، میشل، ۱۹۲۴-۱۹۸۴ م

عنوان و نام پدیدآور: این یک چپق نیست: با نقاشی‌هایی از رنه مگریت / میشل فوکو؛ برگردان مانی حقیقی
مشخصات ظاهری: ۹۶ ص، مصور

یادداشت: عنوان اصلی: Ceci n'est pas une pipe - This is not a pipe، واژه‌نامه

موضوع: مگریت، رنه، ۱۸۹۸-۱۹۶۷ م / هنر - فلسفه

شناسه‌ی افزوده: مگریت، رنه، ۱۸۹۸-۱۹۶۷ م، تصویرگر / حقیقی، مانی، ۱۳۴۸ - مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۷۵ : ف ۹ : ۲ م / ND ۶۷۳

رده‌بندی دیویی: ۷۵۹ / ۹۹۹۳

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۷۵-۷۰۸۳ م

فهرست

- ۷ این چپق یک پپ است: یادداشتی درباره‌ی برگردانِ فارسی
- ۱۲ پیش‌گفتار برگرداننده‌ی انگلیسی
- ۲۳ این یک چپق نیست
- ۲۴ ۱. دو چپق
- ۲۷ ۲. واژه‌نگاشته‌ی گسلیده
- ۳۸ ۳. کله، کاندینسکی، مگریت
- ۴۲ ۴. کارِ زیرزمینی واژه‌ها
- ۴۸ ۵. هفت مُهرِ تایید
- ۵۷ ۶. نقاشی کردن تایید کردن نیست
- ۵۹ دو نامه از رنه مگریت
- ۶۲ یادداشت‌ها
- ۷۱ واژه‌نامه
- ۷۳ تصویرها

این چیق یک پیپ است

یادداشتی درباره‌ی برگردانِ فارسی

این کتاب، نه یک «کتاب»، که مقاله‌ای بلند یا شاید زمانی کوتاه است. شاید هم مجموعه‌ای باشد از مقاله‌های کوتاه پیوسته، یا مدخلی در یک دانش‌نامه‌ی عجیب و غریب، زیر عنوان «مگریت» یا «ساختارگرایی» یا «چیق» یا «هم‌سانی». کسی چه می‌داند؟ گاه به گاه هم منطبقِ روایی‌اش بیشتر شبیه یک نمایش‌نامه یا فیلم‌نامه است. به هر حال، هر چه هست، متنی است متعلق به دوره‌ی نخستِ اندیشه‌ها و نوشته‌های نویسنده‌اش، میشل فوکو، کسی که بی‌چهرگی، سیلان، تجدیدنظر و ابهام از خصوصیاتِ اصلی فلسفه‌اش به حساب می‌آیند. آثارِ فوکو در فضای ثابت و مستحکمِ یک سبک یا سخنِ خاص نمی‌گنجند و این شاید تنها مشخصه‌ی کارِ او باشد. از دید او، هویت، هویتی که بتوان در مسیرِ زمان بازی شناخت و دوباره به آن اشاره کرد، پیامدِ کارکردِ مقیدکننده و سرکوب‌گرِ اقتدار است. می‌گوید: کارِ بازرسیِ اوراقِ شناسایی را به پلیس‌ها و بوروکرات‌ها واگذار کنید و بگذارید از هویت‌م بگریزم، گشایشی به من نشان دهید برای رهایی از استبدادِ چهره‌ام.^۱

یکی از راه‌های گریز از این اقتدارِ سرکوب‌گر، آشفته ساختنِ مناسبتِ میانِ واژه‌ها و چیزها است. اگر هدف اصلی اقتدارِ گرفتار ساختنِ انسان‌ها در بندِ هویت و نام خاص و پایگان‌های از پیش تعیین‌شده‌ی اجتماعی است، رهایی از این بند مستلزم این است که بگوییم نام‌ناپذیریم، دیگر نه همانیم و «همان»ی دیگر در کار نیست: تنها سیلان است که هست. تلخی این تدبیر در این است که این حرفِ ما باید «راست» باشد، نه ادعایی

مکارانه، گرچه مفهوم «راستی» به خودی خود در روند به کار بستن این تدبیر اساساً دگرگون می‌شود. آنچه به جا می‌ماند سیمایچه‌ای است در پس هر سیمایچه، «مغاکى در پس هر بُن». هویت آنگاه پیامدِ فرار این پوست‌اندازی ممتد خواهد بود. «خود را بشناس»، این کهنه‌ترین فرمان‌های فلاسفه، تبدیل می‌شود به «نگذار مجبورت کنند که خودت باشی». این کار دشواری است:

... «من» نگفتن کمابیش سهل است، ولی معینش این نیست که از سامان سوژه شدن رها شده‌اید؛ از سوی دیگر می‌توان همین‌طور بیخودی گفت «من»، و پیشاپیش در سامانی به سر برد که ضمیرهای شخصی در آن اوهامی بیش نیستند. معنا دادن و تاویل چنان پوست کلفتند که با سوژه شدن آمیزه‌ای چسبناک می‌سازند، چنان که می‌توان به سهولت باور داشت که از حیطه‌شان خارجید، در حالی که همچنان تراوششان می‌کنید.^۲

اشاره‌ی گذرای ما به مفهوم اقتدار در این یادداشت تنها از این روست که برگرداننده‌ی انگلیسی، در متن جامع و شفافی که در پی این متن خواهید خواند، حرفی از آن به میان نیاورده است، شاید به این دلیل که پیوند میان کنش نام‌گذاری و اقتدار را، از دید خوانندگان، امری آشکار و از پیش دانسته محسوب کرده است و یا این که به اهمیت این پیوند ایمان نداشته است. به هر رو اینجای بسط دادن این بحث نیست؛ و به خواندگانی که خواستار ادامه‌ی بحث‌اند کتاب بزرگ ژیل دلوز درباره‌ی آثار فوکو را پیشنهاد می‌کنیم.^۳

اینجا تنها می‌پردازیم به شرح چهار پنج واژه و عبارت خاص که در متن فوکو آمده‌اند و تکرار شده‌اند و ما را ترسانده‌اند که نکند در برگردان فارسی از بار وزین مفهومی و کنایی‌شان کاهیده باشیم. درست‌تر، البته، این می‌بود که برگردان‌بی‌نیاز به چنین شرحی باشد؛ اما از سوی دیگر، برگردان، یادست‌کم برگردانی از این دست، چیزی جز شرح نیست و نمی‌خواهد باشد. پس:

۱. چپق: مگریت و فوکو می‌گویند «پپ» [pipe]، ما گفته‌ایم «چپق». واژه‌ی «پپ» البته واژه‌ی جاافتاده‌ای است در فارسی و خود پپ هم با چپق تفاوت‌هایی اگر نه اساسی، دستکم ظاهری دارد. توجیه ما مربوط می‌شود به کارایی ریختِ واژه‌ی «چپق»، به این ترتیب: همان‌طور که خواهید خواند، فوکو در بخش دوم متنش، نقاشی مگریت را به سه راهِ مختلف بازخوانی می‌کند و هر بازخوانی همراه است با نموداری تجسمی. در نمودار سوم، فوکو حرفِ "u" را در واژه‌ی "une" در جمله‌ی "Ceci n'est pas une pipe" حذف کرده و شکلِ یک چپق را جانشینش کرده است: "ne". برگردانده‌ی انگلیسی که، از قضا، حرفِ "u" را در کیسه نداشت، شکل چپق را سرازیر کرده و حاصل را به جای حرفِ "p" در واژه‌ی "pipe" نشانده است: "fipe". اما شکلِ هیچ یک از اعضای عبارتِ فارسی «یک پپ» شبیه یک پپ نیست، پس واژه‌ی چپق را، در مقامِ ناجی، وارد متن مان کردیم تا از حرفِ «ق»ی آخرش، گرچه با چشم‌پوشی از دو چشمی که، بنا به اقتضای روز، از آن بالا می‌بایندش، چیزی ساخته باشیم شبیه یک چپق: «چپستن».

۲. پیکره، تصویر، شکل، ترسیم. این واژه‌ها را به ترتیب مقابل "figure"، "image"، "ferme" و "dessin" آورده‌ایم، اما نه همیشه. یکی دو بار، بنا به خواستِ متن و با ایمان به این که جوهرِ مطلب را بی‌رنگ نکرده‌ایم، یکی از این‌ها را به جای دیگری گذاشته‌ایم. مثلاً در جای "figure" نوشته‌ایم «شکل»، گرچه بنا به قاعده‌ی خودمان باید می‌گفته‌ایم «یکره»، چون که «پیکره» آهنگِ متن را ناموزون می‌کرده یا از سهولتِ درکِ مفهوم، در آن زمینه‌ی خاص، می‌کاهیده.

۳. سخن. «سخن» را برابرِ "discourse" آورده‌ایم. در مباحثِ زبان‌شناختی "discourse" اشاره دارد به «گفتار»، یعنی زبانی که به «زبان» آمده باشد، گفته شده باشد، شنیده شدنی باشد. اما فوکو این واژه را به معنایی بسیار بسیط‌تر به کار می‌برد، طوری که برگرداندنِ "discourse" به «گفتار» مفهومِ موردِ نظرش را یکسر گنگ و نارسا خواهد کرد. "discourse" برای فوکو، شبکه‌ی عظیمی است از رخدادها و کنش‌ها، و همچنین گفته‌ها و نوشته‌ها،

یعنی چه که پای تصویر ساده‌ای از یک چپق، نقاش بنویسد: «این یک چپق نیست»؟ رنه مگریت، نقاش برجسته و نامی سوررئالیست با این کار نقطه‌ی آغازی فراهم کرد برای تحلیلی چندسونگر به وسیله‌ی میشل فوکو، فیلسوف و تاریخ‌شناس پراوازه‌ی معاصر، که درباره‌ی قدرت و اقتدار و محرومیت و طرد، موشکافی‌ها و نکته‌یابی‌های دقیق دارد، و اینجا به کاوش در ابهام‌ها و چندمعنایی‌ها و چندپهلویی‌های زبان، و نقد تصویری رنه مگریت از این‌ها، می‌پردازد. نوشته‌ی غنی و گیرای فوکو گذشته از روشنایی که بر آثار نقاشی پرنفوذ و مقبول می‌افکند، اندیشه‌ی خود فیلسوف ناسازه‌پرداز فرانسوی را نیز بهتر می‌شناساند.

کتاب‌های مانی حقیقی با نشر مرکز

✓ این یک چپق نیست میشل فوکو

سرگشتگی نشانه‌ها بودریار، لیوناره بارت، فوکو، گتاری، دریدا

مهرجویی، کارنامه‌ی چهل ساله گفت‌وگوی مانی حقیقی با دارپوش مهرجویی

ISBN: 978-964-305-183-9



9 789643 051839

۶۹۰۰ تومان

